



مطلق، کاظم،

هزار گلخانه آواز (محمدرضا شجریان)؛

قم: ۱۳۸۴. همراه با عکس‌های رنگی و اعلام

۵۰۰ ص. ۵۵۰۰۰ ریال ISBN 964-95619-2-7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شجریان، محمدرضا، ۱۳۲۰ -- مصاحبه‌ها.

۲. موسیقی ایرانی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد.

۳. آوازخوانان ایرانی -- مصاحبه‌ها. جمع‌آوری

الف. مطلق، کاظم. ب. عابدینی، مهدی. ج. عنوان.

کتابخانه ملی ایران ۱۴۱۷۱-۸۴ آش/۴۲۰/ML ۷۸۹/۰۹۲

مرکز پخش: فراگفت - قم، خیابان سمیه، پلاک ۱۰.

۰۲۵۱-۷۷۳۳۴۵۴ و ۷۷۳۶۹۷۰ □ همراه

□ حقوق نشر این کتاب محفوظ است



محمد رضا شخبریان
استاد آواز ایران

به کوشش
کاظم مطلق
مهدی عابدینی

آه معرفتی ردیف‌های آوازی
حمید جواهریان

آسمان دانش: ناشر

۸۴-اول: انتشار

(خدمات رایانه‌ای فراگفت) نحوی: حروفچینی

شمارگان: ۳۵۰۰

گرنه زاده: صفحه‌نگاری

فراگفت: ناشر همکار

ISBN: 964-95619-2-7

نمابندگی: ۰۶۱۱-۳۳۴۶۰۷۷



هزار گلخانه آواز

محمد رضا خجریان

استاد آواز ایران

حق چاپ محفوظ است
نشانی:

خیابان سمیه، نیش کوی شماره ۲، پ ۱۰

۰۲۵۱-۷۷۳۳۴۵۴

۰۹۱۲-۳۵۱۹۲۴۵

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

تحقیق: تدوین و ویرایش: کاظم مطلق

تنظیم مکتوب اشعار آواها: مهدی عابدینی

معرفی ردیف‌های آوازی: حمید جواهریان

آوزان اشعار و آمارها: دکتر حسنعلی محمدی

طرح جلد و طراحی تصاویر: محسن زمانی (آزادگرافیک)

لوگوی عنوان و سیاه‌مشق: رضا شیخ‌محمدی

شابک: ۹۶۴-۹۵۶۱۹-۲-۷

آزادگرافیک: ۰۲۵۱-۷۷۳۳۴۹۷۰

غم عشق آید غمش وای در حمله

ما هنرمندان تمام عمر زیر پرورگتور نگاه زندگی می‌کنیم. الآن به خود می‌گویم: آیا می‌شود جایی بروم که کسی مرا نشناسد! آزاد باشم، روی چمن بنشینم، دراز بکشم، و کسی چشم به من ندوخته باشد. من می‌خواهم برای خودم زندگی کنم، اما نمی‌شود. گاهی آدم دلش برای خودش تنگ می‌شود، چون دیگر نمی‌تواند خودش را پیدا کند! اینهاست که بین هنرمند و مردم فاصله ایجاد می‌کند. هنرمند حس می‌کند که از لحاظ عاطفی نمی‌تواند جوابگوی مردم باشد... واقعاً آدم دلش برای خودش تنگ می‌شود... آنچه که بیش از همه برای من خوشحال‌کننده است، آن است که عده‌ی اهل دل به صدای من گوش می‌کنند و از آن لذت می‌برند و همین، بالاترین سعادت من است. وقتی می‌بینیم که پس از سال‌ها زحمت و خدمت برای هنر این سرزمین، گروهی پیدا می‌شوند تا قدرشناسی کنند، خستگی‌ام برطرف می‌شود... از من انتظار می‌رود که تولید هنری در عالی‌ترین سطح داشته باشم، شاگرد تربیت کنم، مرتباً کنسرت برگزار کنم، و در موسیقی ایرانی، پدری کنم! واقعاً از عهده‌ی یک نفر بر نمی‌آید... من با مردم زندگی می‌کنم و با آنها درد مشترک دارم؛ برای همین است که می‌دانم چه می‌خواهند...

استاد محمدرضا شجریان



سخن آغاز / ۹

- ۱۳ □ مقدمه
- ۱۸ □ از زبان فریدون مشیری
- ۲۴ □ معرفی

فصل اول: سخن استاد / ۲۷

- ۲۹ □ با مخاطب‌های آشنا
- ۳۱ □ در سوگ نیم
- ۳۳ □ سخنرانی در دانشگاه یو. سی. ال. ای آمریکا

فصل دوم: همراه با استاد آواز ایران / ۴۷

- ۴۹ □ گفت‌وگو با استاد (۱. شرح حال)
- ۶۹ □ گفت‌وگو با استاد (۲. دیدگاه‌ها)
- ۹۰ □ شرح دریافت جایزه‌ی پیکاسو از زبان استاد
- ۹۳ □ استاد از زبان استاد

فصل سوم: از استاد تا استاد / ۱۵۳

- ۱۵۵ □ در کنار استاد دوامی

- به یاد استاد نور علی برومند ۱۶۴
- آموزه‌هایی در اخلاق و فنّ موسیقی ۱۸۲
- از زبان شجره‌ی شجریان ۱۸۵

فصل چهارم: نکته‌ها، دیدگاه‌ها و عقاید / ۲۰۵

- موسیقی و زندگی ۱۹۵
- منطق هنر و زیبایی ۲۰۷
- شعر و آواز ۲۱۹
- آموزه‌هایی در فنّ موسیقی و آواز ۲۳۳
- سنت و تجدید ۲۵۶

فصل پنجم: هنرهای استاد / ۲۷۱

- مقدمه ۲۷۳
- هنر قرائت قرآن ۲۷۶
- هنر آواز ۲۷۸
- هنر موسیقی ۲۸۰
- هنر خطاطی ۲۸۲
- پرورش گل و باغداری و کشاورزی ۲۸۴
- هنر سازسازی ۲۸۶
- سایر هنرها ۲۸۸

فصل ششم: نوارهای استاد (اشعار و معرفی ردیف‌های آوازی) / ۲۹۱

- مقدمه ۱ (مهدی عابدینی) ۲۹۳
- مقدمه ۲ (حمید جوامریان) ۲۹۶
- مقدمه ۳ (دکتر حسنعلی محمّدی) ۲۹۹
- از زبان استاد ۳۰۳
- اشعار و معرفی ردیف‌ها ۳۱۶

فصل هفتم: پیوست‌ها / ۴۳۷

- سالن‌شمار زندگی استاد ۴۳۹
- منابع و مأخذ ۴۴۶
- فهرست نوارها ۴۴۸
- فهرست اعلام ۴۵۰
- فهرست تفصیلی ۴۵۵
- تصاویر ماندگار ۴۶۳

وقتی می‌بینم که پس از سال‌ها زحمت و خدمت
برای هنر این سرزمین، گروهی پیدا می‌شوند تا
قدرشناسی کنند، خستگی‌ام برطرف می‌شود...

[استاد محمدرضا شجریان]



...به نام دوست

سخن گفتن از شخصیت ناب نابغه‌ی بزرگ آواز ایران، محمدرضا شجریان کار آسانی نیست. به واقع باید گفت، این شخصیت همیشه جاوید، پارادایمی در تاریخ موسیقی و آواز ایران محسوب می‌شود. شجریان محلّ اتصال بسیاری از جریان‌ها و تکنیک‌ها و سبک‌های موسیقی و هنر آواز ایرانی‌ست. او ذاتاً هنرمند است؛ چنان‌که در تمام عرصه‌های هنری که طبع خود را آزموده، موفق بیرون آمده است. او در هنرها و فنون؛ چون: قرائت قرآن؛ آواز؛ موسیقی؛ خطاطی؛ پرورش گل و قناری؛ کشاورزی و باغداری؛ عکاسی و حتّاً ساختن ابزار آلات موسیقی - مانند سنتور - مهارت‌های فراوانی کسب کرده و کار خود را در اوج دنبال نموده است. همین هنری بودن خمیره‌ی وجودی اوست که صبر و متانتی مثال‌زدنی و قدرتی چشمگیر در وی ایجاد کرده، و توانسته به گونه‌ی خارق‌العاده بر تمام ابعاد و زوایای موسیقی و سبک‌ها و پیچ و خم‌های هنری آواز احاطه یافته و استاد بلامنازع این هنر در ایران لقب گیرد.

استاد شجریان، از جمله هنرمندان نابغه‌ی میهنی‌ست که سعی دارد هنر متعالی را به گونه‌ی خلاقانه عرضه کند؛ و البته از شخصیت برجسته‌ی بی‌چون‌و‌چرا این انتظار نمی‌رود. ایشان گذشته از توانایی‌های خدادادی در ارائه‌ی آواز و درک موسیقی، شخصیتی فرهیخته دارد که توانسته حکمت‌های بسیاری از موسیقی، آواز و به‌طور کلی هنر و نقش انسانی و اجتماعی و فلسفی آن را وجدان نموده و به صورت دیدگاه‌هایی حکمت‌آمیز بیان نماید و با طرح آنها ما را طبق تعبیر زیبای خودشان به «رازستان معنی» وارد سازد.

در این کتاب، سعی گردیده علاوه بر درج محتوای سخنان و گفت‌وگو‌هایی که خواننده‌ی علاقه‌مند را به خاطرات و تجربیات و زندگی استاد آشنا می‌سازد، درج گرانمایی از مجموعه دیدگاه‌های ایشان را نیز به صورت موضوعی، از میان نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و بیاناتی که در نشریات و دیگر وسایل ارتباط جمعی داشته‌اند، انتخاب نموده و در اختیار مخاطبین قرار گیرد.

به‌طور قطع شیفتگان استاد و هنرمندان، با مطالعه‌ی گزیده‌ی دیدگاه‌های ایشان، با عمق افکار و اوج متعالی نظریات این فرزانه‌ی هنرشناس هنرمند آشنایی حاصل خواهند نمود. حکمت‌های موجود در سخنان استاد، گاه چنان پرمحتوا و تخصصی جلوه می‌کند که خواننده به این باور می‌رسد که در حال مطالعه‌ی دیدگاه‌های فردی فلسفی‌ست و این عمق فرهیختگی شخصیت ایشان را می‌رساند.

در این کتاب، همچنین برای اولین بار بخش مهمی از نوارهای رسمی منتشر شده‌ی استاد، شامل: اشعار آوازهای خوانده شده توسط ایشان به همراه معرفتی ردیف‌ها و دستگاه‌های آوازی درج گردیده و با توجه به تأکیدی که آن هنرمند گرامی در انتخاب اشعار مربوط به آوازهای خود دارند، الگوی خوبی خواهد بود برای علاقه‌مندان به آواز و کسب تجربه از این انتخاب‌هایی که از جانب حضرتشان انجام شده است. زحمت تنظیم و مکتوب کردن اشعار آوازهای استاد را آقای مهدی عابدینی متقبل شدند و معرفتی ردیف‌های آوازی به عهده‌ی هنرمند گرامی جناب حمید جواهریان بوده است.

لازم به ذکر است با عنایت به حساسیت‌هایی که وجود دارد، در فصل مربوط به دیدگاه‌های استاد، منابع این دیدگاه‌ها در پاورقی درج گردیده است. در هر صورت، عمده نیت گردآورندگان مجموعه حاضر، کمک به آشنایی نسل جوان و فرهیخته با این هنرمند

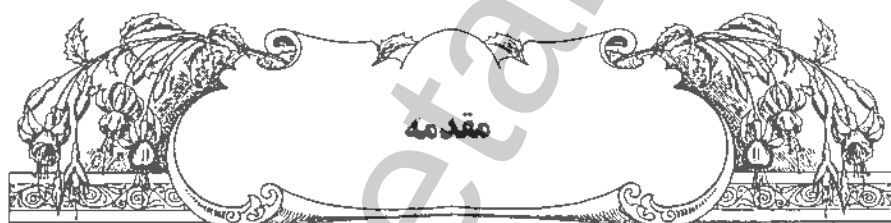
نابغه و تقدیر از بیش از نیم قرن فعالیت و کوشش بی‌وقفه‌ی ایشان در عرصه‌ی هنر و بخصوص آواز و موسیقی اصیل و ناب این مرزوبوم بوده است. الگو بودن و لزوم الگو شدن استاد برای نسل جوان ما صرفاً امری شعاری نیست. استاد در فنون و هنرهای مختلف توانسته‌اند توانایی‌های بالقوه‌ی خود را به منصفه‌ی ظهور رسانند و این‌گونه، در عمل ثابت کرده‌اند که اراده‌ی قوی و پشتکار و اخلاق سالم می‌تواند فرد را به صورت نبوغ‌آمیزی به پیشرفت و تعالی نایل سازد؛ بر این اساس ایشان یکی از بهترین الگوهای زنده و کارآمد و عینی هستند برای نسل پویا و جوان امروز ما.

در پایان، جای تقدیر و سپاسگزاری است از کلیه‌ی کسانی که ما را در فراهم ساختن این مجموعه همراهی کردند. در این میان، نقطه‌ی نظرات دوست عزیز و هنرمند گرامی، آقای حمیدرضا نوربخش (شاگرد ممتاز استاد) و همین‌طور همیاری جناب آقای دکتر حسنعلی محمدی که زحمات نوشتن مقدمه‌ی مربوط به اشعار نواهای استاد و تعیین اوزان عروضی این اشعار و ارائه‌ی آمارهایی در این خصوص را متقبل شدند، بسیار قابل تقدیر است. همچنین باید از تلاش‌های پی‌گیر هنرمند گرامی جناب حمید جواهریان در تشخیص ردیف‌های آوازی نوارهای موجود استاد سپاسگزاری نماییم، که الحق کاری فنی، حساس و زمان‌بر بوده است. هرچند آقای جواهریان به تعبیر خودشان مدّعی نبوده و نیستند که به‌طور قطع شناختشان از ردیف‌ها و معرفّی آنها بی‌عیب و کامل بوده، ولی به‌هرحال در حدّ فرصت و امکان سعی نموده‌اند در معرفّی این ردیف‌ها کمتر دچار اشتباه شوند. اما در اینجا لازم است از هنرمند ارجمند، آقای مسعود امیری، به‌خاطر دقت نظر در شناخت ردیف‌های آوازی استاد و کمک در به‌کمال رسیدن هر چه بیشتر زحمات دوست گرامی آقای جواهریان تشکر و قدردانی به عمل آوریم که نتیجه‌ی تلاش ایشان را در چاپ دوم این کتاب ملاحظه می‌کنیم. امیدواریم دیگر عزیزان هنرمند نیز چون آقای امیری ما را نظرات اصلاحی خود بی‌بهره نگذارند.

و در آخر جای آن دارد تا از زحمات واحد حروفچینی انتشارات فرا گفت بخصوص: آقای نحوی و خانم گرنه‌زاده تقدیر نماییم که با صبر و حوصله، در تمام مراحل آماده‌سازی و بخصوص صفحه‌بندی دشوار این کتاب به‌طور مؤثری همکاری نمودند.



ای روان من! همه چیز را حتّا واپسین دارایی‌ام را
 به تو داده‌ام، تا آنجا که دست‌انم تهی مانده‌اند و
 واپسین چیزم آن است که به تو بگویم: «آواز
 بخوان!» پس اینک به من بگو چه کسی از ما
 باید سپاس بگزارد؟ ای روان من! بهتر آنکه آواز
 بخوانی و بگذاری که سپاست بگزارم. چنین
 گفت زرتشت...
 [افردیک نیچه]



کاظم عابدینی مطلق

موسیقی، ریاضی‌ترین بُعد احساس آدمی است. این بُعد از احساس، هم از طبیعت ذات آدمی
 و هم از ذات طبیعت او نشأت می‌گیرد. به بیان دیگر، واقعیتی است که ریشه در معنویت
 موجودیت انسانی و هم مادیت وجود ما دارد. با چنین رویکردی، می‌توان موسیقی را
 مختصات وجودی احساس دانست؛ مختصاتی که به احساس، «وجود» و «هستی»
 می‌بخشد و آن را ممکن می‌سازد. احساس، ابتدایی‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین شکل
 رویکرد موجودیت حیاتمند به اُبژه‌های بیرونی است. و از این منظر می‌توان دریافت که تا
 چه حد حسّاس و دقیق و تحلیل‌ناپذیر است.

با عینیت بی‌پیرایه‌ی موسیقی، آدمی موقعیت حضور خود را در مختصاتی با طول
 و عرض جسم و روح، ماده و معنی، طبیعت و ماورای طبیعت تبیین می‌کند. شا کله‌ی چنین
 تحلیلی مبتنی بر ریاضیاتی است که ظرافتش مثال‌زدنی و حسّاسیتش فوق تصور بشری است.
 احساس، وحشی‌ترین و در نتیجه، طبیعی‌ترین و حقیقی‌ترین بُعد متافیزیکی حضور
 موجودیت بشری و حیاتی ماست. نقش موسیقی، تعین بخشیدن به این بُعد مهارناپذیر

و غیر عینی وجود است. به عبارت دیگر، همان نقشی که خطوط هندسی در حد و رسم ابعاد مادی اشیا در جهان دارد، موسیقی این نقش را در خصوص متعین ساختن حدود احساس و حالت‌های آن به گونه‌ی دقیق و ریاضی‌وار عهده‌دار می‌باشد. این، مبنای آن سخن حکمت‌آمیز استاد محمدرضا شجریان است که از موسیقی به عنوان «لطیفه‌ی نهانی» نام می‌برند؛ لطیفه‌ی نهانی، که نهانی‌ترین وجه وجود بشری ما را تشخیص می‌بخشد.

موسیقی رُبِ مسکونِ زندگی عاطفی ماست؛ جغرافیای احساس و تاریخِ نانوشته‌ی زمان خوردگی‌های نهاد ناآرام روان بشری‌ست؛ و به عبارتی، بشریتِ مصوّتِ لحظه‌های هست‌مندی و حضور است. اصوات، آن‌گاه که در تعامل هدفمند ریتم‌ها به صورت آهنگی موزون خودنمایی می‌کنند، در حقیقت، ساز مخالف هستی‌ستیز روان‌پریشی‌های سازوکارِ طبیعت و حشی آدمی را به تمرکز و تفاهم و احساس حضور و بودگی سوق می‌دهد. این گونه است که موسیقی بستری برای آواز می‌شود. آواز که با موسیقی همراه می‌گردد، خطوط احساس را در چارچوب‌های مشخص‌تری از فرهنگ و هنجارهای انسانی وجود ما به طور استعلایی متجلی می‌سازد و به مثابه‌ی روحی می‌ماند که در جسم حلول کرده. موسیقی، یکایک اتم‌ها و سلول‌ها و هر آنچه در اندامه‌هایش مکنون مانده را در برابر آواز بر طبق اخلاص می‌نهد، تا آواز چونان روح هستومند موسیقی، نای‌گویای طرزهای رفتاری و فرهنگی و هستی‌فهمی موجودات حیاتمند گردد.

ما در آواز، وجودِ قوه‌ی ناطقه را به صورتی هنری وجدان می‌کنیم. آن‌گاه که قوه‌ی نطق - یعنی قوه‌ی تفکر و ابراز آن - با ابزارهای فیزیولوژیکی بیان به صورت آواز تبلور می‌یابد، در حقیقت به گونه‌ی پدیدار شناختی جلوه‌ی هنری پیدا می‌کند. این گونه، آواز از قوه‌ی نطق درکی عملی همراه با عینیت زیباشناسانه به ما ارائه می‌دهد.

داشتن شناختی هنری از قوه‌ی نطق - یعنی مهم‌ترین ویژگی که آدمی نسبت به سایر موجودات دارا می‌باشد - به تثبیت هر چه بیشتر وضع انسانی در برابر وضع طبیعی وجود حیاتمند ما کمک می‌کند. از آن‌جا که هر هنری نوعی بزرگ‌نمایی کردنِ وجوه کارکردها و توانایی‌ها و ظرفیت‌های معمولی و بشری ماست، آواز بیشتر به عنوان یک هنر به خوبی از عهده‌ی این نقش برمی‌آید؛ و آن، بزرگ‌نمایی زیباشناسانه‌ی قوه‌ی نطق و در نتیجه، برنمودن انسانی‌ترین و وجه وجود انسانی ماست.

آواز آمیزه‌یی از دو توانایی در آدمی است: یکی توانایی درکِ موسیقی؛ و دوم، توانایی در بیان و نطق. نیز همین دو توانایی بوده که امکان حادثه‌یی به نام شعر را در عرصه‌ی ذهن و روان انسان فراهم ساخته است. شعر، لطیفه‌ی نهانی موسیقی را در قالب کلمات، از قوه به فعل درمی‌آورد. شعر هسته‌ی فرهنگی کاملی است که با استفاده از تعیناتی که موسیقی در ناب‌ترین ابعاد درونی روان و ذهن پدید می‌سازد، انسانیت ما را ظهور می‌بخشد و متافیزیک حضور را کامل می‌کند.

با پیوند خوردن هنر موسیقی و شعر و وجود توانایی آدمی در زمینه‌ی نطق و استفاده‌ی هماهنگ از فیزیک حنجره، واقعیتی پدید می‌آید که آن را آواز می‌نامیم. پس آواز را می‌توان کمالِ قوه‌ی نطق دانست؛ قوه‌یی که به آدمی نسبت به دیگر موجودات ذی حیات، برتری بخشیده.

همچنین آواز، از بُعد کارکردهای اجتماعی و مردم شناختی، مناسبات فرهنگی شاعر، موسیقی‌دان و خواننده را با محیطی که در آن می‌زید، مشخص می‌سازد. هر چند سوبه‌ی هنری موسیقی و شعر و آواز، جهانی است؛ اما تحقق آن در هر نقطه‌یی از جهان متأثر از واقعیت‌ها و هنجارهای محیطی که در آن تبلور یافته، شا کله‌یی ویژه به خود می‌گیرد. همین امر، ارزش اجتماعی هنر و توجه به آن را به خوبی آشکار و معلوم می‌سازد.

۵ آواز به عنوان «زبان چهارم»

تولستوی گفته بود: هنرها زبان دوم بشرند. باید بگوییم شعر از آن جا که خود از کلمات ساخته می‌شود و کارکرد زبانی متعارف را دارد و در عین حال نوعی هنر نیز محسوب می‌گردد؛ یعنی ویژگی‌های زبان دوم - هنر - که تولستوی می‌گوید را دارا می‌باشد، پس می‌توان آن را زبانی مضاعف و به تعبیری زبان سوم بشر دانست. اما آواز معجونی از هر سه زبان روزمره، هنر و شعر است؛ پس آواز را می‌توان زبان چهارم بشر نام نهاد؛ زبانی با توانایی‌های بالای ارتباطی. باید گفت، اوج توان آدمی برای برقراری ارتباط با دیگران و موجودات هم‌نوع، استفاده مناسب از امکانات نهفته‌ی این زبان چهارم است. خدمتی که امثال استاد شجریان به فرهنگ و تاریخ و مردم این سرزمین می‌کنند، استفاده‌ی ایشان از ابزار پر قدرت آواز، برای تلطیف شرایط انسانی زیست و فراهم‌سازی

درک متقابل از طریق بازتولید خلاقانه‌ی رگه‌های مشترک و مفید و مثبت فرهنگ ملی و ارزشی است. به طور قطع در میان هنرها، آواز رساترین رشته‌ی رسانه‌یی ارتباط فرهنگی برای تأثیرگذاری و بازتولید ارزش‌های بومی، ملی و دینی است.

□ تک‌نوبه‌ها

... از این هم پیشتر باید رفت. آیا نمی‌توان آواز را نطقِ موسیقی دانست؟ راستی نسبت آواز و موسیقی چیست؟ آیا وقتی آواز به همراه موسیقی اجرا می‌شود، موسیقی به مثابه‌ی سایه‌یی بس بسیار واقعی از عنصر آواز مطرح نیست؟

□

وقتی یک قناری در اوج خواندن است، آیا نمی‌تواند آوای موسیقایی‌اش به صورت روح مشترکِ حسّ اصیلِ موسیقی تلقی شود که با تک تک سلول‌های موجودات حیاتمند و حتّا تک‌تک اتم‌های جهان و تمامی حرکات فضای کیهانی پیوند دارد؟

□

تصوّر کنید که موسیقی توسط یک نیروی ماورایی، از جهان هستی گرفته شود و دیگر هیچ کس نتواند آوازی بخواند و آوای موسیقی ایجاد کند یا بشنود. در این حالت چه پیش می‌آید؟ آیا جز این است که بخشی از قوه‌ی تخیل بشری نابود خواهد شد و فرصت پرورش و برآمدن، از آن سلب می‌گردد؟ و آیا جز این است که شمار تیمارستان‌های روانی به چُند برابر بالغ خواهد شد؟

□

آواز به همراه موسیقی سنتی به صوت و توانِ صوتیِ مُلَهَم از قوه‌ی ناطقه‌ی آدمی اصالت می‌بخشد و آن را به سمت درشت‌نمایی سوق می‌دهد. هر کدام از هنرها به نوبه‌ی خود به نوعی دنبال بزرگ‌نمایی کاریکاتوریِ یکی از ابعاد توان‌های بشری هستند. برای مثال، نقاشی توانایی‌های بصری و رنگ‌آشنایی‌های آدمی را جلوه‌گر می‌سازد... موسیقی سنتی، قوای حنجره و انعطاف و تکنیک‌پذیریِ آن را در آدمی برمی‌نماید، و به آن تأکید می‌کند. و از همه مهم‌تر، تأکیدی دارد بر نمایان‌سازی و عینیت بخشیدن به قوه‌ی نطق در انسان.

موسیقی به طور ناخودآگاه تارهای عصبی ذهن و روح ما را کوک می‌کند و ما را برای بهره‌مندی از گونه‌ی خاصی از احساس آماده می‌سازد. بر این اساس، هیچ سازنده‌ی سازی، سازی که «نسازد»، نمی‌سازد. هر سازی با تارهای هستومند وجود و روان ما نسبتی انکارناپذیر دارد.

سرانجام اینکه، ما با موسیقی دوپینگ احساس می‌کنیم! مختصات وجودی احساس در آدمی امری است که در خلال حوادث و درک هیجانات مثبت و منفی به تدریج افزایش یا کاهش می‌یابد. این، رویکردی است اغلب بطنی و زمان‌بر. گاه که هیجانات مثبت و رویکردهای فرحبخش و حوادث نافع پیش می‌آید، عقربه‌ی احساس به سمت هستی‌مندی و درک وجود میل می‌کند و در این حال منحنی احساس وجود در ما بالا می‌رود و اگر حوادثی معکوس و خلاف آنچه در بالا ذکرش رفت پدید آمد، این منحنی پایین می‌رود و در ما احساس نیستی تقویت می‌شود و افسردگی، عرصه روان ما را اشغال می‌کند. موسیقی به طور دفعی می‌تواند این دو احساس را در کمترین زمان در آدمی ایجاد نماید و پایدار سازد. این گونه است که می‌توان با موسیقی و آواز، دوپینگ احساس هستی یا نیستی کرد.

سخن را با یکی از دیدگاه‌های حکیمانه‌ی استاد به پایان می‌رسانیم: «اگر تدبیری باشد، در درک منطق هنر است... در هنر می‌شود نوای هستی را شنید. معراج در این عرصه روی می‌دهد: پروازی به فرازستان معنا!»

موسیقی معنای فیزیکیال ضربان‌های هستی در نبض احساسات موجود حیاتمند است. موسیقی پرده از درونه‌ی رازهای مگویی برمی‌دارد که «حیات هستی» در ذات موجودات ذی‌حیات بدان مقوم است.

